

جزوه آموزشی

# ثبوت طلاق

استاد علی مظفری



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## جزوه آموزشی ثبت طلاق

تهیه و تنظیم: استاد علی مظفری

سال ۱۳۹۴

این جزوه در جلسات آمادگی اختبار سال ۱۳۹۴ پدید آمد. در این جلسات که در شهر کرج برگزار شد، استاد علی مظفری مطالب بسیار مفیدی درباره ثبت طلاق ارائه کرد، آن مطالب بعدها به صورت جزوه ارزشمندی درآمد. این جزوه در آمادگی اختبار سال ۱۳۹۹ با ویرایش مجدد در قالب ۱۱۰ پرسش و پاسخ تنظیم شد. برای جناب آقای مظفری ریاست محترم کانون ازدواج و طلاق که تلاش‌هایش برای صنف سردفتران ازدواج و طلاق همیشه پربرکت بوده است، آرزوی توفیق و سلامتی دارم. امیدوارم در این راه بیش از پیش مشمول الطاف خداوندی باشند. اگر اشتباهی در تنظیم متن مشاهده کردید، مربوط به بنده است و نیازمند تذکر اساتید بزرگوار.

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۹، مصادف با ۲۱ رمضان المبارک ۱۴۴۱، شهادت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

سید مجید حسینی دستجردی

## فهرست

- ۱.....بخش اول؛ اسباب انحلال نکاح
- ۲.....بخش دوم؛ مدارک ثبت طلاق
- ۳.....(۱) حکم یا گواهی عدم امکان سازش
- ۳.....(۲) گواهی پزشکی یا گواهی عدم بارداری
- ۴.....بخش سوم؛ شهود و معرفین
- ۵.....بخش چهارم؛ ثبت طلاق
- ۵.....(۱) طلاق رجعی
- ۶.....(۲) طلاق خلع
- ۱۲.....(۳) طلاق مبارات
- ۱۳.....بخش پنجم؛ صیغه طلاق
- ۱۳.....(۱) صیغه طلاق رجعی
- ۱۵.....(۲) صیغه بذل در طلاق خلع
- ۱۷.....(۳) صیغه طلاق خلع
- ۲۰.....چند پرسش و پاسخ دیگر

## بخش اول: اسباب انحلال نکاح

۱. اسباب انحلال نکاح چیست؟

۱. طلاق ۲. بذل مدت ۳. فسخ

۲. فسخ و انفساخ چه تفاوتی با هم دارند؟

فسخ: انحلال ارادی نکاح است، مانند جنون و بیماری‌های مخصوص زن و مرد. به‌طورکلی فسخ انحلال ارادی قرارداد و از اسباب سقوط تعهدات و قراردادهای است.

انفساخ: انحلال غیرارادی نکاح است. به‌طورکلی انفساخ انحلال قهری است بدین معنا که عقد، بدون نیاز به عمل حقوقی اضافی، خودبه‌خود از بین می‌رود.

۳. معنای لغوی طلاق چیست؟

در معنای لغوی واژه طلاق سه نظر وجود دارد:

۱. مصدر باب ثلاثی مجرد طلق یطلق (رها شدن)

۲. مصدر باب ثلاثی مزید باب تفعیل (مصدر غیرسالم) طلق یطلق تطلیق طلاق (رها کردن)

۳. دکتر لطفی: اسم مصدر است نه مصدر (رهایی)

طلاق در لغت به معنی پاره کردن و از بین بردن قیدی و گشودن گره‌ای است و همچنین به معنی ترک کردن، رها کردن و رها شدن از قید نکاح آمده است. طلق در معنای تعدی باب تفعیل به معنای رها کردن و طلاق دادن است. بدین لحاظ طلاق به معنی تطلیق است، آن‌چنانکه سلام به معنی تسلیم است. اعراب واژه: اسم، مفرد مذکر جامد، نکره، منصرف صحیح الآخر.

۴. طلاق در اصطلاح به چه معناست؟

طلاق ایقاعی است که به‌موجب آن، مرد به اذن یا حکم دادگاه زنی را که به‌طور دائم در قید زناشویی اوست، رها می‌سازد.

۵. طلاق به لحاظ ماهوی چند گونه است؟

دو نوع: (۱) طلاق رجعی: مرد حق رجوع دارد (۲) طلاق بائن: مرد حق رجوع ندارد  
انواع طلاق بائن: (۱) غیرمدخوله (۲) یائسه (۳) خلع (۴) مبارات (۵) صغیره (۶) مطلقه ثالثه

نکته: اصل در طلاق رجعی است، بنا به «الطلاق بید من اخذ بالساق».

۶. طلاق به لحاظ تکلیفی چند نوع است؟

طلاق به لحاظ تکلیفی چهار نوع است و طلاق مباح نداریم:

- ۱) واجب؛ مثل طلاق ایلاء، ظهار، مرد توان پرداخت نفقه را ندارد و زن تحمل و صبر ندارد
- ۲) حرام؛ مانند طلاق در حیض و نفاس
- ۳) مستحب؛
- ۴) مکروه.

۷. طلاق از حیث شکلی چند گونه است؟

۱) توافقی: زوجین هر دو خواهان هستند و ۲) غیر توافقی: یکی از زوجین خواهان طلاق است.

**نکته:** طلاقى که مطابق فقه اهل سنت انجام می‌شود و از نظر شیعه باطل است، برای خود اهل سنت مطابق قاعده الزام حکم به صحت آن طلاق می‌شود، در نتیجه اگر زنی از شوهرش مطابق فقه اهل سنت از شوهرش جدا شود، مرد شیعی می‌تواند با این زن ازدواج کند.

۸. طلاق غیرمدخوله و یائسه چه نوع طلاقى است؟

این دو از انواع طلاق بائن هستند و قسمی برای طلاق خلع و مبارات محسوب می‌شوند.

## بخش دوم؛ مدارک ثبت طلاق

۹. چه مدارکی در طلاق باید بایگانی شود؟

۱. کپی کارت ملی زوجین پشت‌ورو
  ۲. شناسنامه زوجین صفحه اول و دوم و احیاناً صفحه توضیحات
  ۳. کپی حکم دادگاه البته تصدیق شده از طرف شعبه صادرکننده و نامه قطعیت
  ۴. گواهی عدم بارداری (اصل یا کپی برابر اصل)
  ۵. سند نکاحیه (الزامی نیست و عرف بعضی دفاتر است)
  ۶. کپی وکالت‌نامه و دفترچه وکیل در طلاق وکالتی
- در طلاق رجعی ۲ مورد اضافه می‌شود:
۷. صورت جلسه طلاق
  ۸. استشهادیه اسکان

## ۱) حکم یا گواهی عدم امکان سازش

۱۰. تفاوت حکم طلاق و گواهی عدم امکان سازش چیست و چند ماه برای ثبت اعتبار دارد؟  
گواهی عدم امکان سازش در مواردی صادر می‌شود که درخواست طلاق از جانب زوج یا توافقی بوده باشد. حکم طلاق در مواردی صادر می‌شود که زوجه متقاضی طلاق باشد. گواهی عدم امکان سازش سه ماه اعتبار دارد ولی حکم طلاق شش ماه. مدت‌زمان احتساب زمان، تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعیت دادنامه خواهد بود.

۱۱. آیا گواهی صادره در یک شهر برای شهر دیگر معتبر است؟

رأی دادگاه در تمام ایران و در بعضی شرایط در خارج از ایران نیز معتبر است.

۱۲. محاسبه مدت‌زمان اعتبار ۳ ماهه گواهی عدم امکان سازش از چه زمانی شروع می‌شود؟

مدت‌زمان اعتبار گواهی عدم امکان سازش ۳ ماه از تاریخ قطعی شدن آن است. تاریخ ابلاغ حکم ملاک محاسبه خواهد بود.

## ۲) گواهی پزشکی یا گواهی عدم بارداری

ماده ۳۱ ق ح خ ۹۱: ارائه گواهی پزشک ذی‌صلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند.

ماده ۵۹ آیین‌نامه اجرایی ق ح خ: سردفتر طلاق مکلف است گواهی معتبر پزشک متخصص یا پزشک قانونی در مورد وجود یا عدم جنین را از متقاضی اخذ و مفاد آن را در سند و دفتر ثبت طلاق ذکر کند. چنانچه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند، درج اقرار آن‌ها در سند طلاق و ثبت دفتر الزامی است.

۱۳. گواهی عدم بارداری از چه نهادی باید اخذ گردد؟

پزشکی قانونی یا پزشک معتبر که در این خصوص آزمایشگاه‌های معمول سطح کشور هم مشمول پزشک معتبر می‌شوند و همچنین پزشک زنان.

۱۴. آیا اعتبار گواهی عدم بارداری مقید به زمان است؟

مطابق رویه یک ماه اعتبار دارد ولی قانونی در این مورد نداریم

۱۵. اگر مطلقه غیرمدخوله یا یائسه باشد آیا بازهم نیازی به اخذ گواهی عدم بارداری وجود دارد؟

خیر چون سالبه به انتفاء موضوع است.

۱۶. آیا استعلام گواهی از طرف دفتر دیگر می‌تواند برای ثبت طلاق مستند باشد؟

اعتبار گواهی سراسری است

۱۷. آیا نتیجه استعلام بارداری از جهت وجود یا عدم وجود جنین در وظیفه سردفتر در ثبت طلاق تأثیری

دارد؟

خیر

۱۸. اگر گواهی حاکی از وجود جنین باشد آیا امکان ثبت طلاق وجود دارد؟ وظیفه سردفتر چیست؟  
بله باید مراتب بارداری در سند قید شود البته در صورت اختلاف زوجین باید از دادگاه کسب تکلیف کرد

۱۹. آیا ذکر عدم بارداری یا ذکر بارداری زوجه در متن رأی یا حکم دادگاه تکلیف سردفتر را مبنی بر

اخذ گواهی ساقط می‌کند؟

فقط در صورتی که مراتب بارداری زوجه در حکم قید شده باشد نیاز به گواهی عدم بارداری نیست ولی در صورتی که مراتب عدم بارداری زوجه قید شده باشد جهت ثبت طلاق اخذ گواهی عدم بارداری الزامی است

### بخش سوم؛ شهود و معرفیین

نکته اول: با توجه به نظامنامه از باب تعداد امضا طلاق نیز مانند ازدواج دست کم شش امضا لازم دارد.  
اگر سردفتر و مجری صیغه یکی است پنج امضا لازم است زوجین و ۳ شاهد. اگر زوج یا زوجه به تنهایی اجرا می‌کند ۴ شاهد لازم است.

نکته دوم: حداقل ۲ نفر از شهود باید مرد باشند. آنها به لحاظ رعایت عدلین در استماع طلاق شهود باید بالغ و رشید باشند و عملاً سن بالای ۱۸ سال را شاهد می‌گیرند.

نکته سوم: به موجب یکی از مواد قانون ثبت، کارمندان دفتر نمی‌توانند جزو شهود باشند.

نکته چهارم: سردفتر باید دو نفر عدلین را از نظر متصف بودن به عدالت بشناسد.

نکته پنجم: اینکه شاهد باید ایرانی باشد یا خارجی، بنده مانعی در قوانین ندیدم که خارجی نمی‌تواند شاهد شود، ولی مسلمان بودن شهود باید محرز باشد. شهود هم می‌توانند شاهد ثبت باشند، هم اجرای صیغه یا یکی از این دو؛ ولی عدلین حتماً باید اجرای صیغه را استماع کرده باشند. وظیفه شهود تحمل شهادت است نه ادای شهادت، در نتیجه اطلاع از جزئیات آن ضروری نیست.

## بخش چهارم؛ ثبت طلاق

### ۱) طلاق رجعی

۲۰. ثبت طلاق رجعی به چه نحو است؟

زوجین گواهی یا حکم را حسب مورد تقدیم دفتر طلاق می‌کنند و سردفتر بعد از تکمیل مدارک عنداللزوم بعد از صدور اختاریه‌ها، و اخذ مدارک (شناسنامه زوجین، کارت ملی، عقدنامه، حکم یا گواهی‌نامه قطعیت، گواهی عدم بارداری و کپی) با تنظیم صورت‌جلسه، صیغه طلاق را در حضور عدلین اجرای می‌کند و این صورت‌جلسه را در دفتر اندیکاتور شماره و تاریخ می‌زند. سپس مدارک را در دفتر نگاه می‌دارد و به زوجین تفهیم می‌کند که بعد از اتمام عده (۳ ماه) به همراه استشهادیه اسکان برای ثبت طلاق مراجعه نمایند. اکنون دو حالت ممکن است رخ دهد، یا زوج رجوع می‌کند یا رجوع نمی‌کند:

الف) اگر زوج در ایام عده رجوع کند: در این صورت با تنظیم صورت‌جلسه رجوع در صورت حضور زوجین به امضا هر دو می‌رساند و نیازی به شاهد نیست؛ اما اگر فقط زوج حاضر باشد بعد از اخذ امضای زوج طی اخطار رسمی رجوع را به اطلاع زوجه می‌رساند و بدون درج در دفتر طلاق و سند طلاق و شناسنامه زوجین و بدون اعلام گزارش برای نهادی، مدارک طرفین را به ایشان تحویل می‌دهد و صورت‌جلسه طلاق و صورت‌جلسه رجوع را بایگانی می‌کند و حق‌التحریر ثبت رجوع را دریافت می‌کند.

ب) اگر زوج در ایام عده رجوع نکند سه حالت ممکن است:

۱. پس از اتمام ایام عده زوجین هر دو در دفتر طلاق جهت ثبت طلاق حاضر می‌شوند: در این صورت سردفتر علاوه بر مدارک قبلی، استشهادیه اسکان را نیز از زوجین دریافت می‌کند مگر

اینکه زوجه رضایت دهد بدون استشهادیه طلاق ثبت شود. سردفتر، طلاق را در دفتر و سند ثبت می‌کند. طلاق را در شناسنامه زوجین نیز درج می‌کند، به تاریخ ثبت نه به تاریخ صورت جلسه طلاق. آنگاه طلاق را در سامانه ثبت نموده و گزارش‌های لازم را ارسال می‌کند.

۲. زوجین هیچ‌کدام در دفتر حاضر نمی‌شوند: در این صورت سردفتر از دادگاه صادرکننده حکم یا گواهی، کسب تکلیف می‌کند.

۳. یکی از زوجین حاضر و دیگری غائب است: در این صورت در یک نوبت به طرف غائب اخطار می‌گردد که در فلان تاریخ در دفتر طلاق حاضر شود. در صورت عدم حضور، اقدام به ثبت می‌کنیم و در شناسنامه زوجین ثبت می‌کنیم.

## ۲) طلاق خلع

۲۱. عناصر مقوم طلاق خلع کدام است؟

۱) وجود عقد دائم (۲) کراهت زوجه از زوج (۳) تراضی زوجین بر طلاق در عوض فدیهای که زن می‌دهد (۴) انشا خلع به الفاظ صریح

۲۲. تعریف طلاق خلع چیست؟

پاسخ خلع نوعی طلاق است از اقسام بائن که زوجه به جهت کراهت از زوج، مالی به زوج می‌دهد تا زوج او را طلاق دهد، فدییه می‌تواند بیش از مهر باشد.

۲۳. خلع در زمره ایقاعات است یا عقود؟

خلع از اقسام طلاق است که طلاق از جمله ایقاعات ولی نظریاتی نیز در خصوص اینکه دو عمل حقوقی صورت می‌گیرد بین حقوقدانان وجود دارد.

۲۴. در طلاق خلع چه مدارکی باید از زوجین اخذ شود؟

موضوع مدارک و بایگانی بحث شده فرقی باهم ندارند.

۲۵. در حکم و گواهی عدم امکان سازش مربوط به طلاق خلع از طرف دادگاه چه مواردی باید ذکر گردد؟

در حکم یا گواهی حتماً باید بذل از جانب زوجه قید شود.

۲۶. اگر زوج یا زوجه در هنگام ثبت طلاق خلع حاضر نباشد آیا امکان ثبت طلاق وجود دارد. اقدام سردفتر چه خواهد بود؟

موارد اجرای دادنامه یکی است و فرقی از این بابت میان انواع طلاق نیست.

۲۷. با توجه به اینکه در طلاق خلع کراهت و بذل مال از ارکان طلاق است اگر بعد از حکم یکی از این موارد مفقود گردد امکان ثبت و اجرای صیغه طلاق وجود دارد؟

اگر زوجه با شرایط مندرج در دادنامه حاضر به اجرای طلاق باشد اشکالی نیست.

۲۸. آیا طلاق خلع می‌تواند از انواع طلاق قضائی باشد یا همیشه توافقی است؟

بنده اعتقادی به لفظ طلاق قضایی ندارم ولی چنانچه دادگاه ادعای زوجه را از باب کراهت ثابت بداند حکم طلاق خلع صادر می‌کند.

۲۹. اگر دو رکن اصلی طلاق خلع حاصل باشد یعنی کراهت زوجه و بذل مال از طرف زوجه آیا دادگاه حتماً حکم به طلاق خلع خواهد داد یا باز هم طلاق دست زوج است؟

طلاق از اختیارات زوج است اگر ادعای زوجه صحیح باشد دادگاه از باب قاعده «الحاکم ولی الممتنع» زوجه را طلاق می‌دهد ولی بذل مال از اختیارات زن است.

۳۰. قبول بذل در طلاق خلع از طرف زوج چه جایگاهی دارد؟ آیا باید لفظ قبول بذل نیز در حکم و سند طلاق قید گردد؟

گفته شد یکی از عناصر خلع توافق زوجین بر طلاق در قبال بذل مال از جانب زن است در نتیجه ملاک عمل است، چون زوج با قبول بذل حاضر به طلاق شده است. از این رو قبول بذل باید در حکم و سند طلاق ذکر شود.

۳۱. اگر بعد از حکم یا گواهی، زوجه به دفتر طلاق مراجعه و ادعا کند که از بذل خود رجوع کرده آیا امکان ثبت با اخطار وجود دارد؟

در خصوص عدم حضور زوجه جهت اجرا از دادگاه کسب تکلیف شود.

۳۲. نحوه رجوع زوجه به مابذل در ایام عده چگونه است؟

بعد از مراجعه زوجه به دفتر و اعلام رجوع به مابذل مراتب در ملاحظات دفتر و سند قید و به موجب اخطار رسمی به اطلاع زوج خواهد رسید.

۳۳. آیا زوجه برای رجوع به مابذل باید درخواست کتبی بنویسد یا در دفتر اسناد رسمی اقرارنامه تنظیم کند؟

درج مراتب در ملاحظات و اخذ امضای زوجه کافی است ولی اخذ نوشته‌ای مجزا نیز خالی از لطف نیست.

۳۴. زوجه تا چه زمانی می‌تواند به مابذل رجوع کند؟

حداکثر تا یک هفته قبل از اتمام ایام عده که عرفاً سه ماه محسوب است.

۳۵. آیا به محض رجوع زن به مابذل طلاق باطل می‌گردد یا اینکه طلاق به قوت خود باقی است؟

طلاق باطل نمی‌شود بلکه ماهیت طلاق به رجعی تبدیل می‌گردد.

۳۶. آیا با رجوع زن به مابذل، محرمیت به‌مانند طلاق رجعی حاصل می‌گردد؟

بله

۳۷. وظیفه سردفتر در قبال درخواست زوجه مبنی بر رجوع به مابذل چیست؟

قید در ملاحظات و اخذ امضا و اطلاع به زوج

۳۸. نحوه اطلاع به زوج چگونه خواهد بود؟ آیا اصلاً ابلاغ به زوج لازم است؟

بله به‌موجب اخطار رسمی ابلاغ می‌شود.

۳۹. اگر زوج تغییر آدرس داده باشد چه خواهیم کرد؟

تکلیفی نداریم و به آدرس مندرج در دفتر ابلاغ می‌کنیم.

۴۰. آیا زوجه باید برای دریافت مابذل به دادگاه مراجعه نماید؟

دادگاه یا اداره اجرا

۴۱. آیا سردفتر باید بلافاصله بعد از رجوع زن به مابذل در شناسنامه و سند طلاق و دفتر چیزی قید نماید؟

نماید؟

در دفتر و سند قید می‌شود

۴۲. اگر زوجه به مابذل رجوع کند درحالی‌که مرد در ایام عده با زن دیگری ازدواج کرده است، با توجه

به قانون ممنوعیت داشتن دو زن بدون اجازه دادگاه آیا می‌توان استدلال کرد که مرد حق رجوع به

زن اول را ندارد؟

حق دارد ولی باید اجازه از دادگاه بگیرد

۴۳. در طلاق خلع اگر زوجه سایر حقوق مالی خود را ببخشد ولی مهریه‌اش را نبخشد آیا دادگاه حکم به طلاق خلع می‌دهد؟

بله ملاک بذل است اعم از مهریه یا حقوق زوجیت یا مال شخصی زوجه

۴۴. آیا بخشیدن مهریه یا سایر حقوق مالی زوجه تأثیری در اجرای صیغه دارد؟  
خیر

۴۵. اگر زن قصد رجوع به مابذل را داشته باشد، ولی اقرار کند که ۳ طهر شرعی تمام شده است، وظیفه سردفتر چیست؟

اگر به انقضای عده اقرار کند، مسئله رجوع متفی است.

۴۶. آیا زن می‌تواند برای اعلام رجوع به مابذل وکیل محضری یا وکیل دادگستری بگیرد؟  
بله

۴۷. اگر زن به مابذل رجوع کند و مرد به زن رجوع کند، وظیفه سردفتر چیست؟  
در این صورت طلاق باطل و رجوع به زوجیت محقق می‌شود، مراتب در ملاحظات دفتر و سند با امضای زوجین و سردفتر قید و در شناسنامه زوجین درج می‌شود و اعلامیه رجوع ارسال می‌گردد.

۴۸. آیا رجوع مرد نیز باید به ثبت احوال و دادگاه طی نامه گزارش گردد؟  
بله توضیح داده شد

۴۹. در این صورت در شناسنامه زوجین چه باید نوشت؟  
در صورت رجوع زوج، مراتب رجوع در شناسنامه قید می‌گردد.

۵۰. آیا مراتب رجوع مرد در سند و دفتر نیز قید می‌گردد؟  
بله

۵۱. با توجه به تبدیل طلاق خلع به رجعی (در صورت رجوع زن به مابذل) آیا با رجوع مرد طلاق باطل می‌گردد؟

بله

۵۲. آیا زوجین می‌توانند قسمت طلاق شناسنامه خود را از طریق ثبت احوال پاک کنند؟  
بله به محض ارائه سند طلاق که مراتب رجوع قید شده تعویض انجام می‌شود.

۵۳. لفظی که بابت ۲ رجوع (رجوع زن به مابذل و رجوع مرد به زن) در شناسنامه قید می‌گردد چیست؟  
در صورت رجوع اول (رجوع زوجه به مابذل) چیزی در شناسنامه قید نمی‌شود هر چند عده‌ای از همکاران احتیاطاً قید می‌کنند، ولی در صورت رجوع دوم (رجوع زوج به زوجه) نوشته می‌شود: به تاریخ فلان رجوع شد.

۵۴. آیا می‌توان در هنگام تنظیم طلاق خلع حق رجوع زن به مابذل را از ایشان ساقط کرد؟  
بله چون رجوع زن به مابذل حق زوجه است نه حکم، لذا قابل اسقاط است.

۵۵. آیا می‌توان در هنگام تنظیم طلاق خلع حق رجوع مرد به زن را (در صورت رجوع زن به مابذل) ساقط کرد؟  
خیر چون حکم قرآنی است و قابل اسقاط نیست.

۵۶. در طلاق خلع اگر زن به مابذل رجوع کند طلاق خلع تبدیل به طلاق رجعی می‌گردد. آیا سردفتر به مانند طلاق رجعی باید اقدام کند یعنی باید مدارک را اخذ کند و از ایشان درخواست کند که بعد از اتمام عده به همراه استشهادیه اسکان به دفتر مراجعه کنند یا هیچ اقدامی لازم نیست و فقط درج رجوع در دفتر و سند؟  
خیر نیازی نیست

۵۷. در صورتی که زن به مابذل و مرد به زن رجوع کرد سردفتر چه هزینه‌هایی باید دریافت کند؟  
۱) حق التحریر رجوع زن به مابذل (۲) حق التحریر رجوع مرد به زن (۳) اخطاریه به مرد زمانی که زن به مابذل رجوع کند (۴) حق التحریر اخطاریه زمانی که مرد به زن رجوع می‌کند.

۵۸. مستند قرآنی طلاق خلع چیست؟  
آیه ۲۲۹ سوره بقره

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۵۹. طلاق خلع و مبارات با توجه به اینکه زن نیز دخیل است و بذل می‌نماید، عقد است یا ایقاع؟  
دکتر لطفی: در این خصوص در فقه اقوال مختلف است حداقل سه قول معروف در این مورد وجود دارد یک قول این است که خلع متشکل از دو عمل حقوقی است اولی یک عقد معوض است که شوهر

فدیه دریافت می‌کند که در عوض زوجه را طلاق دهد، دومی هم ایقاع است که با جاری کردن صیغه از جانب شوهر یا وکیل او محقق می‌شود.

۶۰. سؤال ۵۰: آیا در طلاق خلع و مبارات شخص ثالث می‌تواند به زوج مالی را بذل کند تا زوجه‌اش را طلاق دهد یا اینکه حتماً باید زوج بذل کند؟

دکتر لطفی: در صورت رضایت زوجه و اطلاع ایشان پرداخت فدیه از جانب شخص ثالث صحیح است.

۶۱. اگر زوجه سفیه یا ورشکسته یا به هر دلیلی ممنوع از تصرفات مالی باشد آیا می‌تواند طلاق خلع بگیرد؟

سفیه اجازه تصرف در امور مالی را ندارد و باید با اجازه قیم باشد.

۶۲. شرایط زن مختلعه چیست؟

دکتر لطفی: زوجه مختلعه بایستی علاوه بر کلیه شرایط لازم در طلاق غیر بائن مذکور در ماده ۱۱۴۰ و ۱۱۴۱ قانون مدنی، شرایط اهلیت معاوضه را نیز دارا باشد.

۶۳. شرایط مرد خالع یا مخالع چیست؟

دکتر لطفی: مخالع یا شوهر که طلاق خلع واقع می‌سازد بایستی بالغ عاقل مختار و قاصد باشد در خصوص طلاق دادن از جانب سفیه و ورشکسته هم که پاسخ داده شد

۶۴. در طلاق خلعی در صورت رجوع زوجه به مابذل یا رجوع زوج به زوجه ابلاغ اخطاریه به چه صورت است (پستی، دستی یا از طریق نهاد دیگری)؟

اخطاریه از طریق واحد ابلاغ اداره پست ابلاغ می‌شود.

۶۵. آیا ابلاغ باید واقعی باشد یا ابلاغ قانونی هم پذیرفته است؟

مهم این است ابلاغ انجام شود واقعی یا قانونی بودن ابلاغ مهم نیست.

۶۶. از کجا متوجه شویم ابلاغ واقعی یا قانونی صورت گرفته است؟

از طریق گواهی مأمور ابلاغ در نسخه عودت داده شده به دفترخانه.

۶۷. در صورتی که زوجین در دسترس نباشند تکلیف ابلاغ چیست؟

اخطاریه باید به نشانی مندرج در دفتر ابلاغ شود، در دسترس بودن یا نبودن مهم نیست. در صورتی که زوجین تغییر نشانی داده باشند و به دفترخانه اعلام نکرده باشند دفترخانه مسئولیتی ندارد، ولی از باب احتیاط می‌توان از طریق جراید هم ابلاغ کرد.

### ۳) طلاق مبارات

۶۸. معنای لفظ مبارات چیست؟

۶۹. تعریف طلاق مبارات چیست؟

دکتر لطفی: مطابق ماده ۱۱۴۷ ق.م. طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض نباید زائد بر میزان مهر باشد.

۷۰. فرق طلاق خلع و مبارات چیست؟

دکتر لطفی: این دو نوع طلاق با هم چهار تفاوت دارند:

۱. در طلاق مبارات کراهت از طرفین است در حالی که در خلع کراهت از سوی زوجه است؛
۲. در طلاق مبارات جایز نیست که فدیة بیشتر از مهر باشد ولی در خلع چنین نیست؛
۳. اجرای صیغه طلاق مبارات لزوماً باید منتهی به صیغه طلاق گردد در حالی که در اجرای صیغه طلاق خلع اختلاف نظر وجود دارد؛
۴. صیغه این دو طلاق نیز از هم متفاوت است.

۷۱. آیا از نظر عملکرد سردفتر در ثبت طلاق فرقی در ثبت طلاق مبارات و خلع وجود دارد؟

دکتر لطفی: قاعدتاً در امور ثبتی هم متفاوت است مثال در ثبت نوع طلاق، اگر خلع است نوشته می‌شود و اگر مبارات است مبارات ثبت می‌شود و هكذا.

۷۲. آیا در طلاق مبارات هم امکان رجوع زن به مابذل وجود دارد؟

بله

۷۳. بذل با هبه از نظر ماهیت تفاوتی دارد؟

۷۴. ماهیت بخشش مهریه یا مازاد بر مهریه در طلاق خلع یا مبارات چیست؟

دکتر لطفی این سؤال چون مفصل است این‌جانب در کتاب حقوق خانواده ج ۲ ص ۹۴ و ۹۵ بیان کرده‌ام.

۷۵. آیا ممکن است زن یائسه به نوع طلاق خلع یا مبارات مطلقه گردد؟  
در طلاق یائسه امکان رجوع به مابذل نیست.

## بخش پنجم؛ صیغه طلاق

### (۱) صیغه طلاق رجعی

۷۶. آیا برای صیغه طلاق هم مانند خطبه یا دعای خاصی وارد شده است؟  
مستحب است زوج یا زوجین را تا حد امکان از مبعوض و منفور بودن طلاق آگاه کرد، همچنین به طلب استغفار جهت حلال کردن یکدیگر

۷۷. آیا صیغه طلاق مانند نکاح ایجاب و قبول دارد؟  
در طلاق رجعی خیر ولی در طلاق خلع و مبارات نه ایجاب و قبول بلکه ابتدا بذل عنوان می‌شود چون شرط طلاق بوده و سپس صیغه طلاق جاری می‌شود.

۷۸. آیا زن در صیغه طلاق دخالتی دارد؟  
در خلع و مبارات ابتدا از جانب زن مراتب بذل ذکر می‌شود همچنین در یائسه و غیرمدخوله مشروط به بذل مال

۷۹. قبل از اجرای صیغه طلاق چه مقدماتی لازم است؟  
معمولاً شهود را به گفتن ذکر استغفرالله توصیه می‌کنند، «من کان له ذنب فلیستغفر الله»

۸۰. در صیغه طلاق خلع و مبارات آیا لازم و واجب است که برای بذل مابذل از طرف زوجه کلام عربی خاصی قرائت شود؟  
بله

۸۱. در صیغه نکاح از الفاظ گوناگونی مانند «انکحت» و «متعت» و مانند آن استفاده می‌شود در طلاق از چه الفاظی استفاده می‌شود؟

هر طلاق اعم از رجعی، مبارات و خلع لفظ مخصوص به خود را دارند.

۸۲. آیا جاری کردن صیغه طلاق به زبان فارسی مورد قبول است؟

خیر

۸۳. شرایط مجری صیغه طلاق چیست؟

عقل، قصد، اراده و قدرت بر تلفظ صحیح

۸۴. آیا زن هم می‌تواند صیغه طلاق را جاری کند؟

بله البته برخی ایراد گرفته‌اند.

۸۵. حضور چه کسانی در هنگام اجرای صیغه طلاق لازم است؟

عدلین که باید مرد باشند.

۸۶. صیغه طلاق رجعی چگونه جاری می‌شود؟

الف) زمانی که زوج حاضر است و به مجری صیغه وکالت می‌دهد (چه زوجه خودش حاضر باشد یا وکیلش):

«زوجةٌ موکلی آرمان المسمّا بمهسا طالقٌ، هی طالق طلقة، هی طالق مرة»

یا «مهسا زوجةٌ موکلی آرمان طالقٌ، هی طالق طلقة، هی طالق مرة»

ب) صیغه طلاق رجعی زمانی که زوج حاضر نیست و وکیل زوج به مجری صیغه وکالت می‌دهد (چه زوجه حاضر باشد یا وکیلش)

اگر وکیل زوج مرد باشد:

«مهسا زوجةٌ موکلٌ موکلی آرمان طالقٌ، هی طالق طلقة، هی طالق مرة»

اگر وکیل زوج زن باشد:

«مهسا زوجةٌ موکلٌ موکلتی آرمان طالقٌ، هی طالق طلقة، هی طالق مرة»

ج) صیغه طلاق رجعی زمانی که زوجین و وکیلشان حاضر نیستند ولی قیم طرفین حاضرند

«مهسا زوجةٌ موکلی آرمان بوکالة قیمه طالقٌ، هی طالق طلقة، هی طالق مرة»

۸۷. اگر زوجه با حکم دادگاه طلاق می‌خواهد و زوج غائب است چگونه صیغه طلاق در رجعی یا خلع یا

مبارات اجرا می‌شود؟ ملاک مرجع تقلید سردفتر است یا زوجین؟

ملاک، نظر مرجع تقلید وکیل است که صیغه را جاری می‌کند. ملاک مرجع مجری عقد است

۸۸. آیا طلاق فضولی صحیح است که با تنفیذ بعدی زوج صحیح باشد؟  
طلاق از ایقاعات است قانون و شرع حکم خاصی در خصوص ایقاع فضولی ندارد و مصداقی نظر دادند طبق نظر اکثر فقها از جمله امام خمینی (ره) طلاق فضولی امکان‌پذیر نیست و باطل است.

۸۹. آیا پدر یا جد می‌تواند بدون دخالت زوج اقدام به طلاق نماید؟  
خیر در این خصوص ولایتی ندارد

۹۰. در طلاق زوجه غیرمدخوله پاک بودن از حیض شرط است؟  
خیر

۹۱. اگر عدلین کر، کور یا لال باشند صیغه طلاق صحیح است؟  
قطعاً نباید کر باشند چون استماع شرط است ولی کور بودن عدلین بلاشکال است.

۹۲. زمانی که زوجین حاضرند آیا لفظ «هی طالق» کافی است؟  
بله

تحریر الوسیله؛ صیغه طلاق، مسئله (۱) طلاق فقط با صیغه‌ی خاصی واقع می‌شود و آن قول او: «انت طالق» یا «فلانة...» یا «هذه...» یا آنچه از الفاظی که بر تعیین مطلقه دلالت می‌کند، که شبیه این‌ها باشد؛ پس با «انت مطلقه» یا «طلقت فلانة» بلکه با «انت الطالق» تا چه رسد به کنایه مانند «انت خلیة» یا «انت بریة» یا «حبلک علی غاربک» یا «الحقی باهلک» و مانند این‌ها طلاق واقع نمی‌شود؛ اگرچه قصد طلاق را بکند حتی با قول او: «اعتدی» که مقصود از آن طلاق باشد، بنا بر اقوی واقع نمی‌شود.

۹۳. اگر طلاق نوبت دوم یا نوبت سوم باشد الفاظ فرق می‌کند؟  
خیر

۹۴. آیا لفظ «هی مطلقه» صحیح است؟

خیر، مشهور و منصور میان فقهای امامیه این است که «هی مطلقه» یا «طلقت فلانة» جایز نیست (صیغ العقود قزوینی)

(۲) صیغه بذل در طلاق خلع

۹۵. فدیة زوجه از نظر ماهیت در قبال طلاق قرار دارد؟

به جهت کراهتی که زوجه از زوج دارد به زوج فدیة می‌دهد تا زوج راضی به طلاق شود.

۹۶. اگر فدیة مال غیر از آب دربیاید طلاق باطل است؟

طلاق باطل نیست ولی زوج مالکیتی نسبت به فدیة نخواهد داشت تا مالک رضایت دهد.

۹۷. اگر مرد فدیة را بگیرد ولی زن را طلاق ندهد چه اتفاقی خواهد افتاد؟

اگر دریافت به شرط طلاق بوده زوج مالکیتی نسبت به فدیة نداشته و زوجه می‌تواند مسترد نماید.

۹۸. اگر فدیة قبل از طلاق تلف گردد؟

ارتباطی به زوج ندارد و از مال زوجه تلف شده است.

۹۹. صیغه طلاق خلع چند مرحله‌ای است؟

ابتدا بذل از جانب زوجه سپس طلاق از جانب زوج

۱۰۰. آیا بذل مال از طرف زوجه صیغه خاصی دارد؟

بله

۱۰۱. اگر صیغه بذل مال قرائت نگردد و فقط توافق گردد آیا صیغه طلاق خلع صحیح خواهد بود؟

باید از مرجع تقلید پرسیده شود.

۱۰۲. صیغه بذل مال چیست؟

الف) زمانی که زوجه خودش قرائت می‌کند

بذل مہری لخالعتنی

ب) زمانی که زوجه به سردفتر وکالت می‌دهد

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَذَلْتُ مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا لِيَخْلَعَهَا عَلَيَّ

ج) زمانی که زوج وکالت دارد و می‌خواهد خودش قرائت کند

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَذَلْتُ مَهْرَهَا لِيَخْلَعَهَا لِنَفْسِي وَ يُطَلِّقَهَا

د) زمانی که زوج از زوجه وکالت دارد و به سردفتر وکالت می‌دهد

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَةِ مُوَكَّلَتِي بَذَلْتُ مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا لِيَخْلَعَهَا عَلَيَّ وَ يُطَلِّقَهَا

ه) صیغه بذل مال، زمانی که فدیة کل مہریه باشد

عن قبل موکلتی بذلت مهرها لزوجها لیخلعها علیه و یطلقها

(و صیغه بذل مال، زمانی که فدیة مقداری از مهریه باشد

عن قبل موکلتی بذلتُ بعضَ مهرها لزوجها لیخلعها علیه و یطلقها

(ز) زمانی که فدیة مالی غیر از مهریه باشد

بذلت مالها یا بذلت حقوقها

۱۰۳. صیغه بذل مال زمانی که رأی یا حکم صادر شده و در حکم ذکر شده که زوجه مهریه خود را بذل

می‌نماید ولی زوجه در دفتر حاضر نمی‌گردد چگونه است؟

امکان‌پذیر نیست زوجه باید وکالت دهد مگر اینکه دادگاه نمایندگی دهد.

۱۰۴. آیا صیغه بذل مال نیاز به صیغه قبول از طرف زوج دارد؟

در اصل اینکه زوج باید قبول بذل کند اختلافی نیست ولی در ذکر صیغه قبول بذل اختلاف است برخی گفته‌اند باید تصریح شود.

۱۰۵. صیغه قبول بذل را بفرمائید زوج قبول می‌کند؟

آوردن عبارت «هی طالق علی ما بذلت» که در انتهای صیغه طلاق خلع گفته می‌شود کفایت می‌کند

۱۰۶. آیا توالی و فوریت بین صیغه بذل و قبول بذل لازم است؟

توالی عرفی لازم است

۱۰۷. آیا صیغه بذل مال نیز باید در حضور عدلین قرائت گردد؟

بله

۱۰۸. آیا قبول نیز باید در حضور عدلین باشد؟

خیر

۱۰۹. آیا ممکن است که زوجه فدیة را به صورت قسطی به زوج پرداخت کند اگر بعد از طلاق زوجه

قسط را پرداخت نکند آیا طلاق ایرادی دارد؟ سردفتر باید قبض اقساطی صادر کند؟

بله اشکالی ندارد. دفترخانه مکلف به صدور قبض اقساطی است، عدم پرداخت اقساط خللی به طلاق وارد نمی‌کند.

۳) صیغه طلاق خلع

۱۱۰. صیغه طلاق خلع چگونه جاری می‌شود؟

الف) وقتی زوجین هر دو حاضرند و به سردفتر وکالت می‌دهند

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي لِيَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَيُطَلِّقَهَا بِهِ

مَهْسًا زَوْجَةً مُوَكَّلِي آرمان طالق،

هی طالق طلقه، هی طالق مُختلعه، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

ب) وقتی زوجین حاضر نیستند ولی وکیل طرفین حاضرند و وکلا مرد هستند

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَةِ مُوَكَّلِي بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا لِيَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَيُطَلِّقَهَا بِهِ،

زَوْجَةً مُوَكَّلِ مُوَكَّلِي طالق،

هی طالق طلقه، هی طالق مُختلعه، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

د) وقتی زوجین حاضر نیستند ولی وکیل طرفین حاضرند و وکلا زن هستند

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَةِ مُوَكَّلَتِي بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا لِيَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَيُطَلِّقَهَا بِهِ،

زَوْجَةً مُوَكَّلِ مُوَكَّلَتِي طالق،

هی طالق طلقه، هی طالق مُختلعه، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

ه) وقتی زوج و وکیل زوجه حاضر است و وکیل مرد است.

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَةِ مُوَكَّلِي بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا لِيَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَيُطَلِّقَهَا بِهِ،

مَهْسًا زَوْجَةً مُوَكَّلِي آرمان طالق،

هی طالق طلقه، هی طالق مُختلعه، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

و) وقتی زوجه و وکیل زوج حاضر است و وکیل مرد است.

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي لِيَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَيُطَلِّقَهَا بِهِ

زَوْجَةً مُوَكَّلِي طالق،

هی طالق طلقه، هی طالق مُختلعه، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

ز) وقتی زوجین محجور و غایب هستند و ولی زوجین حاضر است.

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَوْلَايَةِ وَلِيهَا (یا بوكالة وليها) بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي لِيُخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ يُطَلَّقَهَا بِهِ

زَوْجَتُهُ مُوَكَّلِي بَوَكَالَةِ وَلِيهِ طَالِقٌ،

هی طالق طَلَّقَهُ، هی طالق مُخْتَلَعَهُ، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

ح) وقتی زوجین غایب هستند و قیم زوجین حاضر است.

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَوَكَالَةِ قِيمِهَا بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي لِيُخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ يُطَلَّقَهَا بِهِ

زَوْجَتُهُ مُوَكَّلِي بَوَكَالَةِ قِيمِهِ طَالِقٌ،

هی طالق طَلَّقَهُ، هی طالق مُخْتَلَعَهُ، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

ط) وقتی زوج غایب است و زوجه حاضر است و دادگاه نمایندگی داده است.

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي لِيُخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ يُطَلَّقَهَا بِهِ

زَوْجَتُهُ مُوَكَّلِي مَنْ وَّلَّاهُ الْحَاكِمُ طَالِقٌ،

هی طالق طَلَّقَهُ، هی طالق مُخْتَلَعَهُ، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

ی) وقتی زوجه غایب است و زوج حاضر.

امکان پذیر نیست باید از طرف زوجه وکالت در بذل باشد

## چند پرسش و پاسخ دیگر

۱. آیا آزمایشگاه یا ماما می‌تواند گواهی عدم بارداری صادر نماید؟

ماده ۳۱ - ارائه گواهی پزشک ذیصلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند.

و ماده ۵۹ - سردفتر طلاق مکلف است گواهی معتبر پزشک متخصص یا پزشک قانونی در مورد وجود یا عدم جنین را از متقاضی اخذ و مفاد آن را در سند و دفتر ثبت طلاق ذکر کند. چنانچه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند، درج اقرار آن‌ها در سند طلاق و ثبت دفتر الزامی است.

با دقت در مواد ۳۱ قانون و ۵۹ آیین‌نامه می‌توان نتیجه گرفت اولاً ماما یا قابله نمی‌تواند مرجع صالح جهت صدور گواهی عدم بارداری برای دفتر طلاق باشد هرچند در این زمینه حاذق باشد چراکه در قانون لفظ پزشک استفاده شده است.

۲. منظور از پزشک متخصص چه پزشکی است؟ پزشک زنان یا پزشک متخصص پاتوبیولوژی یا آزمایشگاهی؟

با مراجعه به نظامات وزارت بهداشت و حیطه اختیارات اعطایی به آزمایشگاه‌های مجاز ملاحظه می‌گردد یکی از موارد که در صلاحیت آزمایشگاه قرار گرفته تشخیص بارداری است در نتیجه آزمایشگاه‌های مجاز تحت نظر پزشک متخصص پاتوبیولوژی صلاحیت تشخیص بارداری یا عدم آن را دارند. البته با استفاده از ابزار آزمایشگاهی طبیعی است پزشک زنان نیز با توجه به تخصص و تبحر خود صلاحیت صدور گواهی بارداری یا عدم آن را دارد هرچند امروزه مشاهده می‌کنیم که خود پزشکان متخصص زنان نیز جهت تشخیص بارداری زنان را به آزمایشگاه هدایت می‌کنند در نتیجه می‌توان گفت علاوه بر پزشکی قانونی؛ پزشک زنان و آزمایشگاه‌های مجاز تحت نظر پزشک پاتولوژیست صلاحیت صدور گواهی بارداری را دارند.

۳. یکی از شرایط صحت طلاق پاک بودن زن از حیض و نفاس است و طلاق در حال عادت زنانگی و نفاس باطل است مگر در چند مورد لطفاً موارد آن را اعلام نمایید.

مطابق ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی در صورتی که زن حامله یا غیرمدخوله باشد و هنگامی که زوج غائب باشد پاک‌ی زن هنگام طلاق شرط نیست. ماده ۱۱۴۰ - طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال

نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غایب باشد به طوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند.

۴. گواهی عدم امکان سازش صادر شده است (و طلاق توافقی است) در فرض اول زوج حاضر نمی‌شود و در فرض دوم زوجه حاضر نمی‌شود؛ بر اساس قانون و آئین‌نامه ح خ چگونگی امکان اجرا یا عدم اجرای آن را مستند تحلیل کنید.

اصل بر این است که در طلاق توافقی زوجین باید تا انتهای کار بر توافق استوار باشند. در صورتی که زوج حاضر نشود شکی نیست که گواهی مذکور ملغی الاثر می‌گردد، مگر اینکه زوجه به موجب دادنامه یا سند رسمی از زوج وکالت داشته باشد، البته قانون گفته وکالت بلاعزل.

اگر زوج حاضر و زوجه حاضر نشود اختلاف نظر است، عده‌ای معتقدند به موجب ماده ۳۵ ق ح خ و مفهوم مخالف ماده ۳۶ گواهی مذکور لازم‌الاجرا است. در مقابل گروه دیگری اعتقاد دارند چون طلاق بر اساس توافق صورت گرفته و در صورت عدول از توافق قبل از اجرا توسط هر یک از طرفین اصل قضیه یعنی توافق زوجین بر طلاق منتفی شده، در نتیجه امکان اجرا ندارد و دیگر دلیل خود را عدم وجود نص صریح در این خصوص اعلام می‌دارند. با لحاظ نظرات فوق به اعتقاد ما نظر گروه اول با روح و کلیات قانون ح خ ۹۱ بیشتر سازگار است، مع الوصف از نظر کاربردی توصیه می‌شود حتماً در صورت مواجهه با این موضوع قبل از صدور اخطار از دادگاه کسب تکلیف شود.

۵. یکی از شرایط صحت طلاق پاک بودن زن از حیض و نفاس است و طلاق در حال عادت زنانگی و نفاس باطل است مگر در چند مورد لطفاً موارد آن را اعلام نمایید.

مطابق ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی در صورتی که زن حامله یا غیرمدخوله باشد و هنگامی که زوج غائب باشد پاکی زن هنگام طلاق شرط نیست.

۶. حکم طلاق بائن غیرمدخوله بدون هیچ‌گونه بذلی از جانب زوجه صادر شده و در دادنامه ذکر شده سردفتر به نمایندگی از دادگاه در صورت عدم حضور زوج صیغه طلاق را جاری کند.

۷. اولاً آیا نیاز به اخطار به زوج است یا خیر و در صورت نیاز چند نوبت؟ با ذکر استناد قانونی

۸. دوماً در صورت عدم حضور زوج نحوه اجرای صیغه طلاق چگونه است؟

با لحاظ ماده ۳۳ ق ح خ و مواد ۶۱ و ۶۳ آیین‌نامه ق ح خ دو بار اخطار به زوج لازم است؛ اخطار اول در قانون پیش‌بینی شده که باید یک هفته باشد. مدت‌زمان اخطار دوم در قانون پیش‌بینی نشده اما جهت ایجاد رویه واحد ۱۰ روز اعلام شد. اما صیغه طلاق:

«مهسا زوجة موکلی آرمان من و لاه الحاکم طالق، هی طلاق طلقه هی طلاق مره»

علت قید «من ولأه» این است که حاکم به جهت ولایت اجازه اجرای صیغه طلاق داده است، چراکه «الحاکم ولی الممتنع». البته می توان «بوکالة حاکم» هم گفت یا «بولایة حاکم الشرع، زوجة موکلی طالق، هی طلاق طلقه هی طلاق مره»

۹. طلاق رجعی جاری و در تاریخ ۹۴/۲/۱ صورت جلسه تنظیم شده است. هنگام تنظیم صورت جلسه طلاق، زوجه باردار بوده و طرفین اقرار نموده اند. در این فرض

۱۰. الف) تاریخ ثبت طلاق چه تاریخی است؟

۱۱. ب) تحویل نسخه صورت جلسه به زوج و زوجه چه زمانی ممکن است؟

طبق ماده ۳۸ در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورت جلسه می شود؛ اما ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است، مگر اینکه زن رضایت به ثبت داشته باشد. در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورت جلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود. صورت جلسه تکمیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنها و دو شاهد طلاق می رسد. در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می شود. در هر حال در صورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع، طلاق ثبت می شود. مطابق ماده ۳۸ ثبت طلاق پایان ایام عده است و چون عده زن حامل تا وضع حمل است در نتیجه با وضع حمل عده منقضی و طلاق ثبت می شود از جمله «در صورت عدم رجوع صورت جلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود» استنباط می شود که صورت جلسه طلاق باید همزمان با ثبت تکمیل شود و قبل از تکمیل صورت جلسه تحویل سند ناقص امکان پذیر نیست به همین خاطر در ادامه آورده است «در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه...»؛ در نتیجه امکان تحویل صورت جلسه طلاق به زوجین قبل از ثبت وجود ندارد.

۱۲. گواهی عدم امکان سازش (طلاق توافقی) صادر شده و نوع طلاق رجعی تعیین شده است. زوجین جهت اجرا متفقاً به دفتر مراجعه و اعلام می کنند زوجه حاضر است مبلغی را بذل و زوج هم قبول بذل نماید تا طلاق خلع جاری شود. امکان یا عدم امکان اجرای طلاق خلع را تحلیل کنید.

به ۶ دلیل امکان اجرای طلاق خلعی در گواهی مذکور وجود ندارد:

۱) دادنامه قطعی حکایت از اجرای طلاق از نوع رجعی دارد؛

۲) ملاک در طلاق خلع کراهت زوجه است نه بذل و زوجه به جهت اثبات کراهت مالی را بذل می‌کند؛

۳) کراهت زوجه باید نزد محکمه برای قاضی احراز شود تا اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش از نوع خلع صادر نماید؛

۴) تغییر مفاد و ماهیت دادنامه بعد از صدور دادنامه از جانب هیچ مقامی حتی قاضی صادر کنند رأی (قاعده فراغ دادرس) امکان‌پذیر نیست، مگر در دادگاه عالی به موجب قانون؛

۵) این اقدام موجب خدشه به حکم و حق شرعی زوج در رجوع به زوجه در ایام عده بوده و در تعارض مستقیم حکم شرع است؛

۶) برفرض اینکه زوجه مالی را بعد از صدور گواهی بذل کند با توجه به مطالب فوق‌الذکر به جهت عدم احراز کراهت زوجه نزد قاضی به صورت شرعی و قانونی تغییری در نوع طلاق ایجاد نخواهد شد مگر اینکه متعاقباً برای زوجه کراهت ایجاد شود که مستلزم اقدام جدید و علی‌حده از جانب ایشان است.

۱۳. زوج به مادرش وکالت رسمی داده و مادر به برادرش که وکیل دادگستری است توکیل نموده است. وکیل مع‌الواسطه‌ی زوج و قیم زوجه (زوجه محجور است) پس از اخذ گواهی جهت اجرای طلاق توافقی با بذل مهریه به دفترخانه مراجعه کرده و به سردفتر وکالت اجرای صیغه داده‌اند. صیغه طلاق زوجین را در دو فرض خلع و مبارات جاری کنید.

الف: صیغه خلع

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَوَكَالَةِ قِيمِهَا أَوْ وِلَايَةِ قِيمِهَا بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي لِيُخَلِّعَهَا عَلَيْهِ وَ يُطَلِّقَهَا بِه زَوْجَةً مُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي طَالِقٌ،

هی طالق طَلَّقَهُ، هی طالق مُخْتَلَعَهُ، هی طالق علی ما بَدَلْتُ»

نکته

۱. لزومی در اجرای صریح صیغه قبول بذل نیست، همین‌که گفته می‌شود «هی طلاق علی ما بَدَلْتُ» یا «خلعت‌ها علی ما بَدَلْتُ» کافی است. همه علما بر ولایت قیم اتفاق نظر ندارند، در نتیجه هم وکالت هم ولایت قیم قید شد.

۲. وقتی زوجه محجور است، مهم این است که در قبال طلاق باید از مال محجور بذل شود نه از مال قیم.

(ب) صیغه مبارات

«عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي بَوَاكَلَةِ قِيمِهَا أَوْ وِلَايَةِ قِيمِهَا بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي لِئِبَارَتِهَا عَلَيْهِ وَ يُطَلَّقُهَا بِهِ

زَوْجَةٌ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي طَالِقٌ،

هی طالق طَلَّقَهُ، هی طالق مُبَارَتَةٌ، هی طالق مرة»

علی کتاب الله (جل جلاله) و سنت رسول الله (صلوات الله علیه و آله) و منهاج امیرالمؤمنین علی ابن

ابیطالب (علیه السلام)

۱۴. زوجین سه مرتبه به طلاق بائن غیرمدخوله از یکدیگر جدا شده‌اند. اکنون مجدداً قصد ثبت ازدواج دارند، آیا ممنوعیتی وجود دارد؟ تحلیل کنید.

ماده ۱۰۵۷ ق.م اشعار می‌دارد «زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود»، با توجه به نص صریح قانون و اطلاق شمول حرمت به جهت اصالت الطلاق به انواع طلاق، طلاق در مرتبه سوم موجب حرمت است و فرقی بین انواع طلاق‌ها نیست و حرمت مذکور مشروط به رجوع و وطی نشده و مُطَلَّق است. مباحثی که مطرح شد از قبیل اینکه طلاق عدی باشد یا اینکه دخول شرط است و غیره مربوط به حرمت است نه طلاق، کما اینکه ماده ۱۰۵۸ ق.م صریحاً حرمت نه طلاق را مشروط به عدی بودن (رجوع در ایام عده و انجام دخول) شش بار نموده و حرمت سه طلاق مقید به هیچ‌یک از مسائل مذکوره نیست. بنابراین زوجه مزبور به زوج حرام است و امکان انجام ازدواج جدید با همان زوج نیست.

نکته موردنظر سؤال این است که شرایط حرمت سه طلاقه با نه طلاقه متفاوت است

جهت اطمینان خاطر رجوع کنید به: حقوق مدنی جلد ۴ دکتر امامی ص ۳۹۷ و ترجمه تحریرالوسیله، جلد سوم، مسئله ۱۲ در باب «القول فی النکاح فی العده»، ضمناً دکتر کاتوزیان و دکتر صفایی هم به نظر دکتر امامی استناد کرده و آن را تصدیق کرده‌اند.

۱۵. زوجین گواهی عدم امکان سازش را با بذل مهریه و سایر حقوق به دفتر آورده‌اند. مهریه زوجه یک دستگاه آپارتمان بوده که هنگام عقد نکاح در قالب سند صداق غیرمنقول در دفتر اسناد بنام زوجه منتقل شده است. این طلاق را چگونه باید ثبت کرد؟

سردفتر طلاق ابتدا وضعیت ثبتی ملک را از ثبت محل استعلام می‌کند. در صورتی که مالکیت زوجه مستقر باشد، طلاق را ثبت می‌کنیم. آنگاه سند طلاق و مدارک را به همان دفتر اسناد رسمی که سند صداقیه را ثبت کرده است ارسال می‌کنیم. وظیفه سردفتر طلاق تا این مرحله است. طبق بند ۱۶۹ از مجموعه بخشنامه‌های ثبتی، سردفتر اسناد مکلف به تنظیم سند بذل غیرمنقول و ارسال خلاصه آن به ثبت محل است. حال اگر مال غیرمنقول که زوجه در قبال طلاق بذل می‌کند مهریه‌اش نباشد دقیقاً مطابق روش صداق غیرمنقول هنگام ثبت ازدواج عمل می‌شود (استعلام، ثبت طلاق و ارسال به نزدیک‌ترین دفتر اسناد رسمی جهت ثبت بذل غیرمنقول).

۱۶. به تقاضای زوجه حکم طلاق غیابی صادر و در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۱ از طریق نشر در جراید به زوج ابلاغ شده و اعتراضی نشده است. به این ترتیب

الف) تاریخ قطعی شدن رأی را اعلام کنید؛

ب) تا چه تاریخی حکم مذکور لازم‌الاجراست؟

مطابق قانون آئین دادرسی مدنی، مهلت تجدیدنظرخواهی ۲۰ روز پس از تاریخ ابلاغ است. اگر رأی مذکور غیابی باشد ۲۰ روز نیز مهلت و اخواهی و چنانچه رأی مذکور از جمله آراء قابل فرجام باشد همانند طلاق ۲۰ روز هم مهلت فرجام‌خواهی دارد. روز ابلاغ و اقدام به مهلت‌های مذکور اضافه می‌شود. در نتیجه ۶۶ روز باید از تاریخ ابلاغ گذشته باشد تا رأی قطعی گردد. اگر تاریخ ابلاغ رأی ۱۳۹۴/۲/۱ باشد ۶۶ روز بعد، یعنی ۱۳۹۴/۴/۵ تاریخ قطعیت حکم است. با توجه به اینکه اعتبار حکم طلاق شش ماه (۱۸۰ روز قانونی) پس از تاریخ ابلاغ یا قطعیت حکم است و با توجه به اینکه ماه در قانون ۳۰ روز تعریف شده است در نتیجه حکم مذکور تا ۱۳۹۴/۱۰/۲ اعتبار دارد.

۱۷. زوج جنون ادواری دارد. قیم زوج در زمان جنون زوج، زوجه‌ی وی را مطلقه نموده است. زوج در زمان افاقه از این اقدام قیم ناراحت شده و قصد دارد با انتخاب وکیل دادخواستی مبنی بر ابطال طلاق را تنظیم و تقدیم نماید.

الف) اگر ادعای زوج موجه است در مقام وکیل زوج استدلال خود را بیان نماید.

ب) اگر تقاضای زوج موجه نیست دلایل را ذکر نماید.

ادعای زوج موجه و قانونی است چراکه طلاق دهنده یا نماینده قانونی وی، باید در این خصوص تصمیم بگیرد، مگر اینکه شخص به دلایل قانونی امکان یا توان تصمیم‌گیری نداشته باشد مانند جنون که طبق ماده ۱۱۳۷ ق.م به ولی مجنون این اجازه را داده تا زن مولی‌علیه را طلاق دهد. (منظور از ولی در این ماده اعم از ولی، وصی و قیم است) و ماده ۸۸ ق امور حسبی اجازه دادستان و موافقت دادگاه را برای قیم لازم دانسته است.

منظور از مجنون در قانون مجنون دائمی است که هیچ‌وقت اراده‌ای ندارد، در نتیجه این اختیار فقط شامل نماینده مجنون دائمی است، نه مجنون ادواری که در حال افاقه خودش می‌تواند زنش را طلاق دهد و تسری اختیارات آن به قیم مجنون ادواری مستلزم نص صریح است.

نهایتاً قیم مجنون ادواری اجازه چنین کاری را نداشته و طلاق به نحو صحیح شرعی و قانونی واقع نشده و بلااثر است.

۱۸. صیغه طلاق رجعی جاری و مراتب صورت جلسه شده است. دو روز بعد از اجرای صیغه، زوج فوت می‌کند. چگونگی ثبت واقعه طلاق بعد از انقضای عده زوجه را تحلیل کنید.

هرچند جواب این مسئله‌ی بسیار مهم به صراحت در قانون نیامده است اما از مجموع مقررات شرع مقدس و قانون می‌توان نتیجه گرفت که صورت جلسه طلاق مذکور باید ثبت رسمی گردد. زیرا:

اولاً به موجب مقررات شرعی چنانچه زوج فوت کند، زوجه به‌عنوان ورثه از زوج ارث می‌برد و باید عده وفات نگه دارد و این یک استثناست که مشمول زوجه‌ای می‌شود که در خلال ایام عده رجعیه همسرش فوت کند.

ثانیاً اگر قرار بر ابطال طلاق بود شرع مقدس صریحاً بیان می‌کرد، چنانچه در خلال ایام عده یکی از زوجین فوت کند طلاق باطل می‌شود. در ما نحن فیه نه تنها چنین حکمی وجود ندارد بلکه همان‌گونه که عرض شد استثنائاً زوجه معتده رجعیه از زوج ارث می‌برد.

ثالثاً بنا بر «اصل صحت»، اصل بر صحیح بودن عقود و ایقاعات است، مگر نص صریح بر ابطال آن وجود داشته باشد.

رابعاً فرض کنید به موجب قوانین سال‌های اخیر صورت جلسه در طلاق رجعی ایجاد نمی‌شد، کما اینکه سابقاً چنین چیزی وجود نداشت و طلاق رجعی همانند سایر طلاق‌ها مستقیماً در دفتر ثبت

می‌شد و سپس در ایام عده، زوج فوت می‌کرد، آیا می‌توان استدلال کرد که ثبت رسمی طلاق باطل بوده است؟

خامساً صورت جلسه طلاق چون به موجب قانون و توسط مأمور ذیصلاح تنظیم می‌گردد، رسمی و معتبر است و ابطال سند رسمی مستلزم تصریح و تجویز قانون است.

ساده‌تر با ثبت طلاق لطمه‌ای به حقوق زوجه وارد نمی‌شود، چراکه حقوق مالی وی قطعاً تعیین تکلیف شده و مطابق مقررات به عنوان زوجه ارث می‌برد. در نتیجه صورت جلسه طلاق به تجویز و تکلیف قسمت اخیر ماده ۳۸ ق ح خ ۹۱ که اشعار می‌دارد «صورت جلسه طلاق در هر حال باید ثبت شود» باید ثبت دفتر طلاق شود، چراکه این قسمت از ماده ۳۸ برگرفته از «اصالت العموم» است و مشمول تمام موارد می‌شود، مگر اینکه قانون استثنا کرده باشد.